

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

The
Washington
Post

مخالفت موساد
با حمله به قطر

وقتی اسرائیل روز سه‌شنبه اعلام کرد حمله‌ای علیه رهبران ارشد حماس در قطر انجام داده است، یک اژانس امنیتی به‌طور قابل‌توجهی در بیانیه‌های رسمی غایب بود: موساد. علت این غیبت آن بود که سازمان اطلاعات خارجی اسرائیل از اجرای طرحی که طی هفته‌های اخیر برای استفاده از مأموران زمینی به‌منظور ترور رهبران حماس تهیه کرده بود، خودداری کرده بود، دیوید بارنیا، رئیس موساد، با کشتن مقامات حماس در قطر مخالفت کرد؛ تا حدودی به این دلیل که چنین اقدامی می‌توانست رابطه‌ای را که او و سازمانش با قطر ی‌ها ایجاد کرده بودند، پاره کند؛ قطری‌هایی که میزبان حماس بوده و میانیجی مذاکرات آتش‌بس بین این گروه و اسرائیل بوده‌اند، به گفته این منابع تردیدهای موساد در مورد انجام عملیات زمینی در نهایت بر شیوه اجرای حمله تأثیر گذاشت و شاید شانس موفقیت آن را نیز کاهش داد، و این تردیدها بازتاب مخالفت وسیع‌تری در درون دستگاه امنیتی اسرائیل با حمله‌ای بود که نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو دستور آن را داده بود. در حالی که مقامات امنیتی اسرائیل به طور گسترده بر این باورند که همه رهبران حماس، از جمله کسانی که در خارج زندگی می‌کنند، در نهایت باید تعقیب و کشته شوند، بسیاری از آنها زمان‌بندی عملیات را زیر سؤال بردند؛ با توجه به اینکه مقامات حماس در قطر گردهم آمده بودند — یک متحد عمده آمریکا — و این مقامات در حال بررسی پیشنهادی از سوی رئیس‌جمهور دونالد ترامپ برای آزادی گروه‌گان‌های اسرائیلی در ازای آتش‌بس در جنگ غزه بودند. به‌جای به‌کارگیری عاملان موساد، اسرائیل روز سه‌شنبه به‌گزینه ثانویه روی آورد: اعزام ۱۵ فروند جنگنده که از فاصله دور ۱۰ موشک شلیک کردند. حماس گفت این حمله هوایی نتوانسته رهبران ارشد از جمله رهبر موقتش خلیل الحیه را بکشد. در عوض، حماس اعلام کرد که این حمله منجر به کشته‌شدن چندین وابسته و هم‌راهان هیئت و نیز یک افسر امنیت داخلی قطری شده است. به گفته شخصی مطلع از جزئیات عملیات که به‌دلیل نداشتن مجوز برای صحبت با رسانه‌ها، به‌شرط ناشناس ماندن سخن گفت، مقامات اسرائیلی تاکنون از انتشار ارزیابی‌های عمومی درباره نتیجه خودداری کرده‌اند، گرچه در پی این حمله به‌منظر می‌رسید «اسرائیل به آنکه می‌خواست نرسیده است». واضح نیست که آیا یک عملیات زمینی شانس موفقیت بیشتری داشت یا خیر، اما سال گذشته مأموران موساد بمبی در اتاق خواب رهبر حماس، اسماعیل هنیه، در تهران کار گذاشتند و او را کشتند. «این بار، موساد حاضر به انجام آن به‌صورت زمینی نبود، یکی از اسرائیلی‌های مطلع از موضوع گفت که اژانس قطر را به‌عنوان میانجی مهمی در مذاکرات با حماس می‌دید. یک اسرائیلی دیگر که از مخالفت اژانس آگاه بود، زمان‌بندی نتانیاهو را به‌پریشی کشید: «اما می‌توانیم آن‌ها را در یک، دو یا چهار سال آینده به‌دست بیاوریم، و موساد می‌داند چگونه این کار را انجام دهد»، آن اسرائیلی با اشاره به امکان ترور مخفیانه رهبران حماس در هر جای دنیا گفت: «اچرا الان باید این کار را کرد؟» تحلیل‌گران می‌گویند نتانیاهو، که در حال نزدیک شدن به یک تهاجم کامل زمینی به شهر غزه است، ممکن است از مذاکرات آتش‌بس صبرش را از دست داده باشد. علاوه بر بارنیا، رئیس ستاد مشترک ارتش، لواء ایال زامیر، که از نتانیاهو خواسته بود به توافق آتش‌بس رضایت دهد نیز از زمان‌بندی حمله نگران بود به‌خاطر ترس از به‌هم‌زدن مذاکرات، در حالی که وزیر امور استراتژیک، ران درمر، و وزیر دفاع، اسرائیل کاتز، با اقدام نتانیاهو برای پیش‌رفتن موافق بودند، به‌گفته‌یکی از اسرائیلی‌های مطلع از ماجرا، نیتزان آلون، افسر ارشد ارتش مسئول مذاکرات درباره گروه‌گان‌ها، به جلسه روز دوشنبه برای بحث درباره عملیات دوحه دعوت نشده بود چون رهبران سیاسی ارشد فرض کرده بودند او به مخالفت با حمله‌ای که ممکن است جان گروه‌گان‌ها را به خطر بیندازد، می‌پردازد.

دیپلماسی
DIPLOMACY



نظر
خواهی



عکس: KUNA

نتانیاهو چطور اعراب را متحد کرد؟

ارزیابی پژوهشگران اندیشکده شورای خاورمیانه از پیامدهای حمله اسرائیل به قطر

روز نهم سپتامبر، ارتش اسرائیل چندین موشک به یک محله مسکونی در دوحه شلیک کرد. هدف این حمله جلسه مقامات ارشد حماس بود که در آن قرار بود درباره آخرین پیشنهاد آمریکا برای آتش‌بس در غزه بحث شود. اگرچه شش نفر، از جمله یک مقام امنیتی قطری، کشته شدند، اما هیچ‌کدام از اینها هدف اصلی این حمله نبودند. واکنش جهانی به این حمله شدید بود و قطر قول داده است که پاسخ دهد، درحالی‌که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، ادعا کرده است که از حمله برنامه‌ریزی شده بی‌اطلاع بوده و سعی کرده به قطر هشدار دهد، هرچند خیلی دیر شده بود. در ۱۱ سپتامبر، شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آرا این حمله را محکوم و با قطر ابراز همبستگی کرد. در ذیل، دیدگاه‌های کارشناسان شورای خاورمیانه برای امور جهانی درباره اقدام بی‌سابقه اسرائیل و پیامدهای آن برای خلیج فارس، رابطه کشورهای عربی با ایالات متحده، منطقه و دیپلماسی آمده است.

▼ مرگ دیپلماسی؟ حمله اسرائیل به قطر و آینده میانجیگری

دالیا غانم



حمله اسرائیل به دوحه شوک عمیقی به رویه جهانی دیپلماسی وارد کرده و آینده میانجیگری بین‌المللی را با تردید جدی مواجه کرده است. با حمله به یک کشور مستقل که به درخواست ایالات متحده به طور فعال میزبان مذاکرات حماس و اسرائیل بود، اقدام اسرائیل را می‌توان فراتر از یک عملیات نظامی صرف در نظر گرفت. این اقدام یک حمله مستقیم به اصل اساسی بی‌طرفی است که زیربنای حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات است. این حمله که منجر به کشته شدن یک افسر امنیتی قطری و اعضای هیئت حماس شد، توسط نخست‌وزیر قطر، آل ثانی، به‌عنوان «ترور دولتی» محکوم شده است، که به درستی این حمله را نه به‌عنوان یک اقدام دفاعی، بلکه به عنوان تلاشی عمدی برای خرابکاری در یک توافق مذاکره‌شده، توصیف می‌کند. این اقدام گستاخانه اسرائیل که با بی‌توجهی آشکار به متحدان امنیتی آسیب‌دیده‌اش انجام شده است، احتمالاً قطر را مجبور به ارزیابی مجدد نقش میانجیگری خود خواهد کرد. اگر این ارزیابی مجدد منجر به عقب‌نشینی قطر از میز مذاکره شود، می‌تواند مذاکرات آتش‌بس در غزه را به طور مؤثر متوقف کند و رهبری حماس را به مکان‌های کم‌دسترس‌تر سوق دهد و هرگونه مذاکره آینده را بسیار دشوارتر کند. با این حال، اگر این اقدام بدون مجازات بماند، پیامدهای آن بسیار فراتر از این درگیری خاص

MIDDLE EAST COUNCIL
ON GLOBAL AFFAIRS



خواهد بود. آمادگی اسرائیل برای هدف قرار دادن خاک یک کشور میانجی، پیام ترسناکی را برای هر کشوری که به دنبال نقشی در یک فرآیند دشوار صلح است، ارسال می‌کند و تعهد به دیپلماسی اکنون می‌تواند یک کشور را به هدف تبدیل کند. این سابقه جدید و خطرناک، چارچوب راه‌حل مسالمت‌آمیز را تضعیف می‌کند و نشانگر تغییر به جهانی بی‌ثبات‌تر است که در آن دیپلماسی دیگر یک سپر نیست، بلکه هدف برای حمله است. جهانی که در آن دیپلماسی به‌طور فزاینده‌ای توسط اقدامات نظامی یکجانبه توسط کشورهای سرکش مانند اسرائیل تضعیف می‌شود و میانجی‌ها را با یک سوال نگران‌کننده روبه‌رو می‌کند: آیا بهای صلح اکنون پذیرفتن خطر جنگ است؟

▼ از جوینده بازدارندگی تا جوینده سلمه اسرائیل باید متوقف شود

عمر ا.ج. رحمان



حمله اسرائیل به قلمرو حاکمیتی قطر - پس از گذشت دو سال از به راه‌انداختن نسل‌کشی در غزه - تأکید می‌کند که اسرائیل مهم‌ترین تهدید برای امنیت منطقه‌ای و جهانی است. اسرائیل در واقع یک رژیم سرکش است که کاملاً خارج از مرزهای قوانین و هنجارهای بین‌المللی عمل می‌کند و مصونیت آشکار آن از مجازات، کل سیستم بین‌المللی را به خطر می‌اندازد. از نظر منطقه‌ای، اسرائیل از بازدارندگی به سلطه‌طلبی روی آورده و به هر کسی، هر جایی که بخواهد و در هر زمانی حمله می‌کند، با این تصور غلط که با حمایت ایالات متحده می‌تواند به هژمون خاورمیانه تبدیل شود. این امر باعث ایجاد نگرانی فزاینده‌ای در سراسر منطقه شده است، زیرا اسرائیل با حمله به هفت کشور که از ۱۷ اکتبر تاکنون ادامه دارد، تمام خطوط قرمز قابل تصور را زیر پا گذاشته است و آخرین حمله آن به کشوری که میانجی توافق آتش‌بس است، گستاخانه‌ترین حمله بوده است اما حمله به یکی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس اکنون واشنگتن را در موقعیت بسیار ناخوشایندی قرار می‌دهد. واشنگتن دیگر قادر نیست تضمین‌های امنیتی برای خلیج فارس را در برابر اسرائیلی که تقویتش می‌کند اما به نظر نمی‌رسد بتواند کنترلش کند، حفظ کند. در حالی که ترامپ همچنان بین خود و عملیات اسرائیل در دوحه فاصله می‌گذارد، هنوز سوالات زیادی در مورد اینکه دولت او چقدر از این موضوع مطلع بوده و چرا

متوقفش نکرده، وجود دارد.

اما مهم‌ترین سوالی که شرکای آمریکا در منطقه اکنون می‌پرسند این است که دولت ترامپ برای پایان دادن به مصونیت اسرائیل و به زانو درآوردن این ملت سرکش چه خواهد کرد؟ در عین حال، همه آنها باید اقدامات جمعی را که می‌توانند انجام دهند، ارزیابی کنند، قبل از اینکه جاه‌طلبی‌های هژمونیک ناشی از مصونیت اسرائیل حتی قوی‌تر شود و درک آن از اینکه چه کسی تهدید محسوب می‌شود، گسترده‌تر شود.

▼ تغییر ادراک تهدید در حاشیه خلیج فارس

رشید المهندی



محیط استراتژیک کشورهای خلیج فارس به سرعت خطرناک‌تر می‌شود. حملات اخیر ایران و اسرائیل به قطر، حس امنیت غالب خلیج فارس را از بین برده و آسیب‌پذیری‌های امنیتی عمیقی را آشکار کرده است. در واقع، این حملات نباید به عنوان ناهنجاری تلقی شوند. آنها روند گسترده‌تری از شکست بازدارندگی را دنبال می‌کنند که با حمله به تأسیسات نفتی بقیق عربستان سعودی در سال ۲۰۱۹ و حملات پهپادی و موشکی به امارات متحده عربی در سال ۲۰۲۲ آغاز شد. این اولین بار نیست که اسرائیل حاکمیت یک کشور خلیج فارس را نقض می‌کند. در سال ۲۰۱۰، عوامل اسرائیلی با استفاده از گذرنامه‌های جعلی و دزدی وارد امارات متحده عربی شدند تا محمود المبحوح، از مقامات حماس را در هتلی در دبی ترور کنند. وقایع سه ماه گذشته - و حتی در چارچوب دهه گذشته در نظر گرفته شود - باید اساساً ادراک تهدیدآمیز را تغییر دهد. کشورهای حاشیه خلیج فارس باید سیاست‌های امنیتی، دفاعی و سیاسی خود را بر این اساس بررسی کنند. این امر به‌ویژه با توجه به شکست‌های مداوم تضمین‌های امنیتی غرب اکنون بسیار مهم است. وقتی شرکای غربی با انتخاب بین حمایت از کشورهای حاشیه خلیج فارس یا اسرائیل روبه‌رو شدند، به وضوح دومی را انتخاب کردند، با وجود اینکه اسرائیل یک کشور سرکش و نسل‌کش است که خود را برای هژمونی منطقه‌ای آماده می‌کند. کشورهای حاشیه خلیج فارس برای دستیابی به اهداف دفاعی و امنیتی خود چاره دیگری جز ایجاد یک معماری دفاعی و امنیتی جمعی با محوریت شورای همکاری خلیج فارس ندارند. آنها همچنین باید مشارکت‌های امنیتی خود را از ترتیبات منسوخ‌شده‌ای